



اشتراک الماس

شامل چه محصولاتیه؟

کلاس سالیانه دروس اختصاصی
(تدریس و حل تست پیشرفته) **۴ کلاس**



کلاس های تست طلایی
دروس اختصاصی **۴ کلاس**



کلاس آمادگی امتحان نهایی
دروس اختصاصی و عمومی **۱۰ کلاس**



آزمون های دوپینگ



آزمون سالیانه **۲۳ مرحله**



کارگاه های کمر بندمشکی



همایش های موضوعی و
جمع بندی

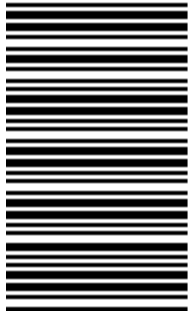


فقط یکبار هزینه تا روز کنکور به هیچ کلاس و آزمون ریگه ای نیاز نداری

کُد کنترل

211

A



211A

صبح جمعه
۱۴۰۱/۰۴/۱۰



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
سازمان سنجش آموزش کشور

باید محصل دانشگاه‌های ما، دانشجوی انقلابی مثبت،
انقلابی فعال، انقلابی مسؤول، انقلابی متعهد و امیدوار باشد.
مقام معظم رهبری

آزمون سراسری ورودی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور سال ۱۴۰۱

گروه آزمایشی علوم تجربی آزمون عمومی (دفترچه شماره یک)

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره	زمان پاسخ‌گویی	ملاحظات
۱	زبان و ادبیات فارسی	۲۵	۱	۲۵	۱۸ دقیقه	۱۰۰ سؤال ۷۵ دقیقه
۲	زبان عربی	۲۵	۲۶	۵۰	۲۰ دقیقه	
۳	فرهنگ و معارف اسلامی	۲۵	۵۱	۷۵	۱۷ دقیقه	
۴	زبان انگلیسی	۲۵	۷۶	۱۰۰	۲۰ دقیقه	

حق چاپ، تکثیر و انتشار سؤالات به هر روش (الکترونیکی و ...) پس از برگزاری آزمون، برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی تنها با مجوز این سازمان مجاز می‌باشد و با متخلفین برابر مقررات رفتار می‌شود.

■ عین الأنسب للجواب عن الترجمة أو المفهوم من أو إلى العربية (۲۶ - ۳۵)

۲۶ - ﴿ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ ﴾: ← معرفه / مفعول

- (۱) تنها الله است که غیب آسمانها و زمین را می داند!
 - (۲) فقط الله است که غیبی را که در آسمانها و زمین است می داند!
 - (۳) کسی که در آسمانها و زمین است غیب را نمی داند مگر خداوند!
 - (۴) هر آنکس در آسمانها و زمین است هیچ غیبی را نمی داند بجز خداوند!
- ۲۷ - « ابْتَسِمَ لِلنَّاسِ، لِأَنَّهُمْ قَدْ يَكُونُونَ مَحْزُونِينَ فِي قُلُوبِهِمْ وَأَنْتَ لَا تَعْلَمُ، فَعِنْدَمَا تَبْتَسِمُ لَهُمْ يَنْسَوْنَ حَزَنَهُمْ لَحْظَةً! »:
- به مردم لبخند بزن ← قدر مضارع = گاهی/شاید ← فعل مضارع ← مضارع معلوم
- (۱) برای اینکه احياناً آنها در دلشان ناراحتند حال آنکه تو نمی دانی، آنگاه که به ایشان می خندی، لحظه ای غمشان فراموش می شود!
 - (۲) زیرا اگر احياناً آنها در دلشان غمگین باشند و تو ندانی، وقتی که به آنها لبخند می زنی، در یک لحظه غمشان را فراموش می کنند!
 - (۳) برای اینکه اگر گاهی در درون خود ناراحت باشند و تو ندانی، پس هنگامی که به آنها می خندی برای یک لحظه غمشان فراموش می شود!
 - (۴) زیرا گاهی آنها در درونشان غمگین می باشند، در حالی که تو نمی دانی، پس وقتی که به آنها لبخند می زنی، برای لحظه ای غم خود را فراموش می کنند!

← مضارع مستقبل

۲۸ - « إِنْ يَكُنْ كَلَامُ الْخَطِيبِ مَنَاسِبًا لِفَهْمِ الْمُسْتَمْعِينَ وَ عَلَى مَسْتَوَى ثِقَافَتِهِمْ، فَسَيُذَوِّقُونَ كَأْسًا مِنَ الْكَرَامَةِ! »:

- (۱) هرگاه کلام سخور شایسته فهم شنوندگان و در حد فرهنگ آنها باشد، در حقیقت آنها جامی از بزرگی می چشند! ← اگر/حتی
- (۲) اگر سخن سخنان متناسب با فهم مستمعان و همسطح فرهنگ آنها باشد، پس آنان جامی از کرامت خواهند چشید!
- (۳) اگر کلمات سخنان با فهم مستمعان تناسب داشته و در حد و اندازه فرهنگ و تمدنشان باشد، سخنرانان جامی از بزرگواری خواهند چشید!
- (۴) چنانچه سخنان خطیب لایق فهم و سمع شنوندگان و متناسب با فرهنگ و تمدن آنها باشد، پس آنگاه شنوندگان جامی از عزت خواهند چشید! ← نکره ← فعل مضارع منفی

۲۹ - « الْعَالَمُ الْحَقِيقِيُّ الَّذِي لَهُ أَفْكَارٌ عَمِيقَةٌ وَ حَدِيثَةٌ لَا يَدَّعِي أَنَّهُ يَعْرِفُ كُلَّ شَيْءٍ لَأَنَّهُ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَكْذِبَ! »:

- (۱) عالم واقعی که دارای افکاری ژرف و بلند است هرگز مدعی شناخت همه اشیا نیست، زیرا قادر به دروغ گفتن نمی باشد! ← الدار الذی/الذی
- (۲) عالم حقیقی دارای افکار عمیق و نو می باشد، اما قادر نیست دروغ بگوید، زیرا نمی تواند ادعا کند که همه چیز را می شناسد! ← ترجمه «ی»
- (۳) دانشمند واقعی که دارای اندیشه های عمیق و تازه است، ادعا نمی کند هر چیزی را می داند، زیرا او نمی تواند دروغ بگوید!
- (۴) دانشمند حقیقی کسی است که اندیشه های ژرف و جدید دارد، اما ادعا نمی کند که هر چیزی را می داند، زیرا نمی تواند دروغ بگوید!

۳۰- « لا يَصِلُ إِلَى النَّجَاحِ إِلَّا الَّذِينَ يُحَاوِلُونَ كَثِيرًا وَ لَا يَهْرَبُونَ مِنَ الْفَشْلِ وَ لَا يَقُومُونَ بِعَمَلٍ يَخْلُجُونَ مِنْهُ وَ يَتَدَمُّونَ عَلَيْهِ! »:

مضارع منفی

(۱) به موفقیت نمی‌رسند مگر کسانی که سخت تلاش کنند و از شکست نترسند، و هرگز کاری نکنند که از آن کار شرمند و بخاطرش نادم گردند!

(۲) فقط کسانی به موفقیت می‌رسند که بسیار تلاش می‌کنند و از شکست خوردن نمی‌گریزند و کاری نمی‌کنند که از آن شرمند و پشیمان شوند!

(۳) تنها کسانی که سخت تلاش می‌کنند، به موفقیت دست یافته و از شکست خوردن نمی‌هراسند، پس عملی انجام نمی‌دهند که خجلت‌زده و نادم شوند!

(۴) کسانی که بسیار تلاش می‌کنند، فقط به موفقیت دست می‌یابند، و از شکست فرار نمی‌کنند، پس قطعاً عملی انجام نمی‌دهند که از آن خجالت بکشند و پشیمان گردند!

۳۱- « يُمَكِّنُ لِلْإِنْسَانِ أَنْ يَدْخُلَ فِي قُلُوبِ الْآخِرِينَ دُونَ أَنْ يَنْطِقَ بِكَلِمَةٍ وَاحِدَةٍ؛ فَيَكْفِيهِ أَنْ يُزَيِّنَ سُلُوكَهُ بِالصِّفَاتِ الْحَمِيدَةِ! »:

صفت

(۱) برای انسان ممکن است بدون اینکه کلمه‌ای بگوید وارد قلب‌های دیگران شود؛ از این‌رو کافی است که رفتارش را با صفات پسندیده مزین کند!

(۲) برای انسان ممکن است که بدون حرف زدن در دل‌های دیگر ورود کند، فقط باید رفتارش با ویژگی‌های پسندیده زینت داده شود!

(۳) انسان می‌تواند خود را در قلوب دیگران وارد کند بی‌آنکه کلامی بگوید، برای او بس است که اعمالش را با خویی ستوده بیاراید!

(۴) انسان می‌تواند بدون کلمه‌ای حرف زدن در دل دیگران نفوذ کند، کافی است که روش‌های خود را آراسته گرداند!

قد + ماضی = تَقَى

۳۲- « أَنْتَ يَا مُعَلِّمُ! قَدْ كُنْتَ السَّبِيلَ الْوَحِيدَ لِنَجَاحِي، لَقَدْ تَعَلَّمْتُ مِنْكَ أَنَّنِي لَنْ أُنْجَحَ فِي الْحَيَاةِ حَتَّى لَا أَفْشَلَ عِدَّةَ مَرَّاتٍ! »:

تو ای معلم! لے ترکیب وصفی لے مستقبل منفی لے مضارع منفی

(۱) بی‌شک راه تو تنها برای موفقیت من بوده است، از تو آموختم تا بارها زندگی را نیازم هرگز موفق نخواهم شد!

(۲) قطعاً تویی تنها راه نجات من، بی‌شک از تو آموختم که من نخواهم توانست موفق شوم تا بارها زندگی را نیازم!

(۳) قطعاً به تنهایی راه نجات من بودی، از تو است که آموختم هرگز موفق نمی‌شوم تا بارها در زندگی شکست نخورم!

(۴) بی‌شک تنها راه موفقیت من بوده‌ای، قطعاً از تو آموختم که تا بارها شکست نخورم در زندگی موفق نخواهم شد!

مفعول

۳۳- « مِنْ مَلَأَ وَعَاءَ وَجُودِهِ بِالْآلَافِ وَ حَتَّى بِالْمِائَاتِ فَقَدْ جَعَلَ نَفْسَهُ غَنِيَّةً وَ لَا يَحْتَاجُ إِلَى الْآخِرِينَ! »:

(۱) کسی اگر ظرف درونش، از هزارها و حتی صدها عمل خیر پُر شود، خود را غنی کرده و به غیر نیاز ندارد!

(۲) هرکس ظرف درونش، با هزارها و صدها خوبی پُر شود، نفسش را بی‌نیاز می‌کند و احتیاجی به غیر ندارد!

(۳) کسی که ظرف درون خویش را با صدها و هزاران نیکی پُر کند، خود را غنی گردانده تا به دیگران احتیاج نداشته باشد!

(۴) هرکس ظرف وجود خود را با هزاران و حتی صدها عمل خیر پُر کند، نفس خود را بی‌نیاز می‌گرداند و نیازی به دیگران ندارد!

۳۴- عین الصحيح: ← ما من = هیچ نیست

(۱) ما من حضارةٍ اُكتشفت إلا و هي تؤكد أنّ الإنسان ما خُلق عبثاً: هیچ تمدنی کشف نشده است مگر اینکه تأکید می‌کند که انسان بیهوده خلق نشده است!

(۲) الصدق هو أن لا يكذب اللسان، و الصداقة هي أن لا يكذب القلب: راستگویی آن است که به زبان دروغ نگوید، و دوستی آن است که در دل دروغ نگوید!

(۳) إنما يلجأ الأطفال إلى والديهم عندما يواجهون خطراً: کودکان وقتی با خطر مواجه می‌شوند معمولاً به والدین خود پناه می‌برند!

(۴) يكاد أن يُنشد الشعر من رؤية هذه المناظر الجميلة: نزدیک بود از دیدن چشم‌اندازهای چنین زیبا شعر بگوید!

← مضارع متکلم متقی

۳۵- « در زندگی این ادیب، با وجود شرایط دشوارش، بجز فعالیت نمی‌بینیم! »:

(۱) لا تُشاهد إلا النشاط في حياة الأديب، على رغم الظروف القاسية!

(۲) لم تُشاهد إلا الاجتهاد، مع وجود ظروفه القاسية في حياة الأديب!

(۳) لا تُشاهد في حياة هذا الأديب إلا النشاط، على رغم ظروفه القاسية!

(۴) لم تُشاهد في حياة هذا الأديب، مع وجود الظروف القاسية إلا الاجتهاد!

لم + مضارع = ماضی نقلی متقی

■ ■ ■ اقرأ النص التالي ثم أجب عن الأسئلة (۳۶ - ۴۲) بما يناسب النص:

إنّ الجاهل لا يحاسب عاقبة أمره، فلا يتعقّل في مواجهة الأمور. فنحن لا نقصد من الجاهل من لا يحسن القراءة و الكتابة، بل هو الذي لا يستخدم قوّة عقله فيستسلم أمام ظاهر الأشياء و يقبل ما تأمر به نفسه! إقرأوا القصة التالية و اعتبروا عاقبة الحماقة:

كان حمارٌ يحمل كيسين كبيرين من الملح. و قد أصابه التعب من طول الطريق و شدّة حرارة الشمس، فوقف على بركة ماءٍ ليشرب، فزلّت رجلاه و وقع في الماء. عندما أخرجه صاحبه من البركة شعر بأنّ ما عليه من البضاعة قد أصبح خفيفاً، فملأته الفرحة! و في يومٍ آخر مرّ هذا الحمارُ قبيل غروب الشمس بنفس تلك البركة و كان يحمل الكيسين فيهما ثياباً. فعزم أن يخفّف ما عليه، فذهب قرب الماء و وقع فيه؛ ولكن عند الخروج ... فوقع ما وقع!

اندازه کیسه در بار دوم در متن نیامده

۳۶- أيّ موضوع لم يأت في النص؟

(۱) المقصود من كلمة « الجاهل »

(۳) سبب اقتراب الحمار من البركة

۳۷- جواب أيّ سؤال لم يأت في النص؟

(۱) إلى أين كان صاحب الحمار يذهب؟

(۲) أشعر الحمار بالعطش في المرّة الثانية؟

(۳) كيف تكون حالة الجاهل حين يواجه الأمور؟

(۴) ما الفرق بين حالة الحمار في المرّة الأولى و المرّة الثانية؟

(۲) حجم الكيس في المرّة الثانية

(۴) زمان سیّر الحمار نحو البركة

مكان رفتن صاحب الاغ در متن نیامده

۳۸- عین الصحيح:

- (۱) لم يبق من الملح في المرة الأولى إلا قليلاً.
 (۲) استطاع الحمار بنفسه أن يخرج من الماء. ← «متن: عندما أخرجته صاحبه»
 (۳) عدد الأكياس في المرة الثانية لم يكن بعدد المرة الأولى. ← «مرحلة دوکيه بود»
 (۴) وصل الحمار في المرة الأولى إلى البركة صباحاً و في المرة الثانية ظهرًا.
 ۳۹- عین ما لا يناسب النص:

- (۱) عاجز الرأي مُضِيعٌ لحياته.
 (۲) إنما يهلك الناس لأثمهم لا يسألون.
 (۳) العاقل يغتنم كلَّ الفرص في الحياة.
 (۴) كُنْ كَمَنْ إذا نظرتُ عيناه أمراً صار عبرةً له.

■ عین الخطأ في الإعراب و التحليل الصرفي (۴۰ - ۴۲)

۴۰- «يَتَعَقَّلُ»: * يَتَ / يَنْتَ / تَتَ + و = مضارع تَفَعَّلَ

- (۱) فعل مضارع - حروفه الأصلية ثلاثة (عقل) - مصدره «تَعَقَّلَ» على وزن «تَفَعَّلَ»
 (۲) مضارع - ماضيه «عَقَّلَ» على وزن «فَعَّلَ» - معلوم - فعلٌ و مع فاعله جملة فعلية
 (۳) فعل مضارع - للمفرد مذكر الغائب - له حرفان زائدان - فعلٌ و مع فاعله جملة فعلية
 (۴) مضارع - حروفه الأصلية «عقل» و له حرفان زائدان - ماضيه «تَعَقَّلَ» على وزن تَفَعَّلَ

۴۱- «اعْتَبَرُوا»: فعل أمر ← بابهای مزيد مضارع و امر عین الفعل كسر دارند

- (۱) فعلٌ، ماضيه: «اعتبر» على وزن «افتعل» و له حرفان زائدان - مع فاعله جملة فعلية
 (۲) فعل أمر - للجمع المخاطب - حروفه الأصلية «ع ب ر» و له حرفان زائدان
 (۳) فعلٌ و مصدره «اعتبار» على وزن «افتعال» - فعلٌ و مع فاعله جملة فعلية
 (۴) فعل ماضٍ - للجمع المذكر الغائب - مصدره «اعتبار» على وزن افتعال

۴۲- «مواجهة»:

- (۱) اسم - مفرد مؤنث - مصدر على وزن «مفاعلة» - مجرور بحرف «في»
 (۲) اسم الفاعل منه: «مُواجه»، مضارعه: «يواجه» - في مواجهة: جار و مجرور
 (۳) مفرد مؤنث - مصدر، و ماضيه: «واجه» على وزن «فاعل» - مجرور بحرف الجر
 (۴) اسم - مصدر على وزن «مفاعلة»، ماضيه «تواجه» على وزن «تفاعل» - مجرور بحرف الجر

■ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۴۳ - ۵۰)

۴۳- عین الخطأ في ضبط حركات الحروف:

- (۱) كانت تدعو العالم الغربي لفهم حقائق الدين الإسلامي و الإطلاع عليه!
 (۲) رُبَّ كِتَابٍ يَنْصَفَحُهُ قَارِئُهُ فَيُؤَثِّرُ فِي نَفْسِهِ تَأْثِيرًا عَمِيقًا يَظْهَرُ فِي آرائِهِ!
 (۳) شَجَرَةُ النَّفْطِ شَجَرَةٌ يَسْتَعْدِمُهَا الْمَزَارِعُونَ كَسِيحًا حَوْلَ الْمَزَارِعِ!
 (۴) اللَّبْطَةُ غَدَّةٌ طَبِيعِيَّةٌ بِالْقُرْبِ مِنْ ذَنْبِهَا تَحْتَوِي زَيْتًا خَاصًّا!

المزارع: مزرعها

المزارعون: كساورزا

۴۴- عین الصحیح عن توضیح المفردات التالية:

(۱) العشاء: موعد من المواعيد التي نأكل الطعام فيه!

(۲) المُعَرَّب: الكلمة الأجنبية إذا دخلت في اللغة العربية.

(۳) البُحيرة: مجتمع ماء تحيط به الأرض من بعض الجهات!

(۴) العُدَّة: جمع تكسير لكلمة « عادي » و هو مَنْ يَرْجِع إلى بلاده!

۴۵- عین الصحیح عن ما يُعادل المفهوم: « خَيْرُ الْغَنَى الْقَنَاعَةُ » ← « بهترین بی نیازی قناعت است »

(۱) تا صدف قانع نشد پُر دُر نشد! (۲) درویش را مُلک قناعت مسلّم است!

(۳) قانع شدی به نانی، اما نشان نیدی! (۴) چون قانع شدی، سنگ و سیمت یکی است!

۴۶- عین ما ليس فيه اسم المكان:

(۱) أنشد الشاعرُ شعراً جميلاً و مأخذ قوله آية من آيات القرآن الكريم.

(۲) كتب التلاميذ مقالاتٍ مهمّةً استفادوا لها من مصادر كثيرة!

(۳) يُزَيِّن النَّاسُ المقابرَ و لا ينتفع من هذا التزيين إلا أنفسهم!

(۴) مهنة أبي صعبة جدّاً، إنّه يعمل من الصباح حتّى الليل!

۴۷- عین « ال » تفيد معنى الإشارة:

(۱) رأيتُ سيارتٍ كثيرةٍ السَّيَّاراتِ كانت في ساحة المدرسة!

(۲) سيذهب الشاعرُ إلى مجمع الشعراء؛ ذلك الشاعر يتكلّم عن شعره الحديث!

(۳) ليلة الامتحان قريبةٌ و الامتحانات صعبة لي؛ لأني ما قرأت دروسي حتّى الآن!

(۴) وقفت سيارتِ زميلي في مكان وقوف السَّيَّاراتِ؛ هذه سيارتِ اشتراها زميلي أخيراً!

۴۸- عین الخطأ عن العدد:

(۱) كانت عندنا أربعون و ثمانی ورقةً للرّسم، ← اعداد ترتیبی اولیکان بعد دهگان می آید

(۲) كان في المدرسة اثنا عشر تلميذاً، و ورّعناها بينهم،

(۳) صار سَهْمُ كُلِّ مِنْهُمْ أربع ورقات و عددًا من الأقلام الملونة،

(۴) و رَسَمَ كَثِيرٌ مِنَ التلاميذ على ثلاث ورقات فقط و بقيت واحدة منها!

۴۹- عین ما فيه الشَّرط:

(۱) من صنع أولَ سيارَةٍ، صَنَعَهَا بثلاثِ إطارات! كوی

(۲) من يُعجبني كان حارسَ مرمى في فريقٍ نشيط! کوی

(۳) من يَغرسُ الأشجارَ في الحدائق يَجِدُ ثمرتها بعد زمنٍ! هرکس درخت را در باغها بکارد بعد از مدتی

(۴) من يَبْحَثُ عن هذه الكتب المفيدة صديقي المجدد! میوه آنها را می یابد کوی

۵۰- عین « تساعِد » يوضح ما قبله: ← ما قبلش را توضیح میدهد = جمله وصفیه ← نكرة + فعل

(۱) أحبّ من تُساعد الآخرين بشوق و رافّة! (۲) رأيت طالبةً تُساعد زميلاتها في دروسهن!

(۳) هذه الطالبة تُساعد كلّ التلميذات في الصّف! (۴) كانت تلك الطالبة تُساعدني دائماً في دروسي!

اسماعيل سعيد مدرس عربی کتور و امتحانهای مدارس سمپاد و نمونه دولتی ایزه
خوزستان ← ۹۱۲ ۹۱۲ ۵۲۳۳